

اقدامات امام صادق (ع) در جهت رفع آسیب‌های فرهنگی

شیعیان با تکیه به روایات تقیه

صفرعلی قانونی (نویسنده مسئول)^۱ | نعمت الله صفری^۲

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22034/skh.2021.7892.1117

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۳/۱۷ | تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۵/۱۸

نوع مقاله: ترویجی

چکیده

ائمه علیهم السلام همواره در پی آسیب شناسی و درمان آسیب‌های جامعه، شیعیان و اصحاب خود بوده‌اند. در این بین امام صادق (ع) از جمله کسانی است که به انواع آسیب‌شناسی به خصوص آسیب‌شناسی فرهنگی شیعیان پرداخت و با روش‌های متعدد اقدام به درمان آن نمود. یکی از این روش‌ها تقیه است، زیرا دوران امامت حضرت (۱۱۴-۱۴۸ هـ ق) به جهت وجود برخی از شرایط با دوران ائمه دیگر متمایز شد به همین دلیل امام از این فرصت استفاده نمود و در جهت رفع آسیب‌ها از جمله آسیب‌های فرهنگی آن‌هم با روش تقیه اقدام نمود. این نوشتار عهده‌دار اقدامات امام صادق در جهت رفع آسیب‌های فرهنگی با تکیه به روایات تقیه است. برای این هدف با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و با ارجاع به منابع روایی تاریخی به بررسی وضعیت ویژه دوران امام صادق پرداخته، سپس آسیب‌های فرهنگی موجود در عصر ایشان را بررسی نموده و در ادامه به اقدامات امام صادق پرداخته است. بررسی و تحلیل‌ها نشان داد که حضرت برای درمان آسیب‌های فرهنگی شیعیان را به تقیه و مدارا، توجه دادن اصحاب به

^۱ - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گلپایگان، ganon1356@gmail.com

^۲ - استاد گروه تاریخ، جامعه المصطفی (ص) قم، ایران، nsafari8@gmail.com

حساسیت زمانه، رفع اختلافات فکری درون مذهبی، بیان معارف به روش متعدد توصیه نمود.

کلیدواژه: امام صادق (ع)، تقیه، آسیب‌شناسی، آسیب‌های فرهنگی

مقدمه

دوران امامت امام صادق (ع) (۱۱۴-۱۴۸ هـ ق) دارای ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است که به جهت رعایت برخی از مصالح، بخشی از این دوران در پوشش تقیه سپری شد به نحوی که بیشترین روایات تقیه در این زمان از امام صادق (ع) نقل شد به همین جهت تقیه یکی از عواملی بود که این دوران را با دوران ائمه دیگر متمایز ساخت و فرصت‌هایی را برای امام فراهم آورد که برای ائمه قبل از او فراهم نشد امام صادق (ع) در این فرصت استثنایی به شناخت و درمان انواع آسیب‌ها اقدام نمود. یکی از آسیب‌ها، آسیب فرهنگی بود که امام برای درمان آن راهکارهای متعددی ارائه نمود. از این رو در نوشتار حاضر ابتدا وضعیت ویژه‌ی دوران امام صادق (ع) بررسی می‌شود، سپس آسیب‌شناسی فرهنگی و در ادامه به اقدامات امام برای درمان این آسیب‌ها پرداخته می‌شود.

درباره اقدامات امام صادق (ع) در جهت رفع آسیب‌های فرهنگی با تکیه به روایات تقیه، کتاب و مقاله‌ای مستقلی یافت نشد اما می‌توان به کتب و مقالاتی اشاره کرد که تنها به برخی از ابعاد تقیه یا سیره فرهنگی حضرت پرداخته است. برخی از این پژوهش‌ها عبارت‌اند از کتاب «مجموعه درس‌هایی از انقلاب» تألیف علی صفایی، کتاب «تشیع در مسیر تاریخ از سید حسین محمد جعفری»، کتاب «نقش تقیه در استنباط» نوشته نعمت‌الله صفری فروشانی، کتاب «الامام صادق» تألیف محمدحسین مظفر، کتاب «تقیه مداراتی از نگاه امام خمینی» تألیف محمد محسن حیدری و «تقیه مداراتی» تألیف اکبر ساجدی، نگاهی تاریخی به تقیه مداراتی تألیف فتحی‌نیا، تقیه مداراتی نوشته محمد فاضل، تقیه مداراتی و انسجام اسلامی از رحمانی زروندی، تقیه مداراتی از محمد رحمانی. همچنین پایان‌نامه‌ای با عنوان «مهندسی فرهنگی عصر امام صادق (ع)» که توسط آقای مهدی نیک‌آفرین و به راهنمایی خانم فاطمه جان احمدی تدوین شده است، اما در مجموع محتوای مقالات و آثار مذکور متفاوت از آنچه نگارنده در این تحقیق در پی آن است، زیرا در این پژوهش‌ها گرچه به تقیه به صورت مفصل پرداخته شده ولی در هیچ کدام به آسیب‌شناسی فرهنگی اشاره نشده یا به صورت پراکنده بوده است.

۱- مفهوم شناسی واژگان

۱-۱- آسیب

آسیب در فرهنگ فارسی به معنای زخم، عیب و نقص، درد، رنج، گزند آزار، زیان، خسارت آمده است. (معین، ۱۳۶۴، ۱، ۵۸ و عمید، ۱۳۶۳، ۱، ۴۴) همچنین به آن دسته از علل و اختلالاتی اطلاق می‌شود که وجودشان تلاوم داشته و حرکت پدیده‌ای را تهدید می‌کند و آن را از رسیدن به اهداف و آرمانش باز می‌دارد و یا از کارایی لازم می‌اندازد. (حاجی، ۱۳۸۱، ۴، ۴۳۳) منظور در اینجا آسیب‌هایی است که هویت اصیل شیعی را به خطر می‌اندازد.

۱-۲- فرهنگ

برای این واژه تعاریف متعدد و بسیار زیادی بیان شده است در اینجا به اختصار اشاره می‌شود. فرهنگ از دو جزء «فرا» به معنی «بالا» و «بیرون» و «هنگ» یا «تنگ»، یعنی «برکشیدن» و «برآوردن» تشکیل شده است (روح‌الامینی، ۱۳۶۵، ۱۱) و مشتمل بر دانش‌ها، باورها، هنرها، اخلاقیات و قوانین و آداب و رسوم و تمامی توانایی‌ها و عاداتی است که آدمی به عنوان عضو جامعه آن را کسب می‌کند (بشیری، ۱۳۹۷، ۱۲ - ۱۵ و محمودی، ۱۳۶۸، ۳۷) مراد از فرهنگ در نوشتار حاضر همان سرمایه معنوی و درونی یک قوم و مذهب است که همه آثار ادبی، هنری و فکری را دربرمی‌گیرد و در بیرون تجلی می‌کند اگر تجلی ناظر به حوایج مادی و جسمانی اجتماعی باشد تمدن نام دارد و اگر ناظر به اقناع نیازهای معنوی باشد فرهنگ است، گرچه اغلب موارد، این دو باهم پیوستگی دارند؛ بنابراین وقتی محور اصلی فرهنگ را باورها و عقاید مربوط به خدا، انسان، ارتباط انسان با خدا و جهان و طبیعت؛ یعنی اصول دین، توحید، نبوت و معاد و ارزش‌ها و خوب و بدهای اخلاقی و شیوه‌های رفتاری خاص برخاسته از آن بینش‌ها و ارزش‌ها تشکیل دادند فرهنگ اسلامی و یا فرهنگ ناب شیعی نام می‌گیرد.

۳-۱- تقیه

تقیه در لغت معنای صیانت و نگهداری، (ابن منظور، ۱۴۰۸، ق، ۱۵، ۳۷۷ و راغب اصفهانی، بی‌تا، ۵۶۸؛ دهخدا، ۱۳۳۷، ۱۵، ۸۵۸ و معین، ۱۳۶۴، ۱، ۱۱۲۳) برخی می‌گویند: تقیه عبارت است از مخفی کردن حق و مخفی نگاه داشتن اعتقاد به حق و همچنین پرده‌پوشی از مخالفان و اینکه

در مقابل آنان کاری را که به دین یا دنیای انسان ضرر می‌رساند انجام داده نشود. (مفید ۱۳۱۷ ق، ۶۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ۱۱، ۲۰۷). تقیه به معنای مخفی نمودن حق از دیگران یا اظهار خلاف آن، به جهت مصلحتی که مهم‌تر از مصلحت اظهار آن باشد نیز گرفته شده است. (ر.ک صفری، ۱۳۹۴، ۱۵۱) به همین جهت تقیه با نفاق تفاوت دارد، زیرا نفاق آن است که فرد، کفر خویش را پنهان بلدرد و ایمان را آشکار سازد. درحالی که جریان تقیه برعکس است؛ یعنی فرد تقیه گر، کفر را اظهار داشته و ایمان را پنهان می‌کند. همچنین تقیه با نفاق در هدف و انگیزه نیز متفاوت است، هدف از نفاق، افساد در جامعه و دگرگون ساختن نظام اسلامی است، درحالی که هدف از تقیه، اصلاح و حفظ جان و مال و مقام مشروع است. (سبحانی، ۱۳۸۸، ۲۳-۲۱).

۱-۴- اقسام تقیه

مراد از تقیه در جستار حاضر تقیه‌ی مداراتی است، برای روشن شدن جایگاه این نوع تقیه در روایات امام صادق (ع) و متمایز نمودن آن از اقسام دیگر، به تقسیماتی که فقهاء شیعه برای تقیه انجام داده‌اند اشاره می‌شود، برخی تقیه را از جهت حکم فقهی به وجوب، کراهت، حرمت، استحباب و اباحت تقسیم کرده‌اند (مفید ۱۳۱۷ ق، ۱۳۶-۱۳۵ و شهید اول، بی تا، ۲، ۱۵۷ و فاضل مقداد، ۱۴۰۳ ق، ۲۷۰) محقق کرکی (متوفای ۹۴۰ ق) تقیه در عبادات و معاملات را عنوان نمود. (کرکی، ۱۴۰۹ ق، ۲، ۵۱) بعد از محقق کرکی شیخ جعفر کاشف الغطاء (متوفای ۱۲۲۸ ق) علاوه بر بیان حکم تکلیفی تقیه، بعضی از انواع تقیه در موضوع را نیز مطرح کرد. (کاشف الغطاء، بی تا، ۶۲-۶۱) ولی در میان نویسندگان معاصر تقیه تقسیمات بیشتری پیدا کرد و از محدوده‌ی فقهی فراتر رفت به عنوان نمونه برخی تقیه را از جهت ذات به خوفی، اکراهی، کتمانی و مداراتی، (روحانی، ۱۴۱۲ ق، ۱۱، ۳۹۲) یا خوفی و مداراتی تقسیم نمودند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ۱، ۴۱۰) عده‌ای تقیه را به تقیه در احکام و موضوعات (عراقی، ۱۳۶۴ ق، ۱۰) و گروهی تقیه را به تقیه در اصول دین و فروع دین تقسیم کردند. (داوری، ۱۳۹۵) امام خمینی تقیه را ابتدا به خوفی و مداراتی و سپس از جهت تقیه کننده و تقیه شونده و مورد تقیه تقسیم کرده است. (خمینی، ۱۳۷۸، ۲، ۱۷۴-۱۷۵) اما تقسیم دیگری می‌توان قائل شد مبنی بر اینکه روایات تقیه‌ی صادره از امام صادق (ع) در چهار بعد سیاسی، اجتماعی، فقهی، کلامی قابل تحلیل و بررسی است، چراکه دسته‌ای از این روایات به تقیه سیاسی اشاره دارند یعنی سیره و روش امام (ع) و یاران وی در برخورد با حاکمان است و برخی از این روایات به تقیه‌ی اجتماعی پرداخته و مراد سیره و روش

امام (ع) ویاران ایشان در برخورد با عامه است. دسته‌ای از این روایات نیز به تقیه‌ی فقهی پرداخته‌اند، این نوع روایات به جهت شکاک بودن یاران و ترس از حکومت و به جهت فرامذهبی بودن شاگردان حضرت بوده است. دسته‌ی چهارم تقیه کلامی است، یعنی روایاتی که به جهت عدم ظرفیت و یا کمبود ظرفیت یاران امام (ع) بوده است.

۲- بررسی وضعیت ویژه دوران امام صادق (ع)

دوران امامت امام صادق (ع) (۱۱۴-۱۴۸ هـ ق) از جمله دورانی است که متمایز با دوران امامان قبلی بوده و فرصت‌های بسیار زیادی را در اختیار حضرت قرار داد که برای ائمه‌ی قبل از او فراهم نشد زیرا حضرت توانست به مدت بیست و هشت سال سرپرستی شیعیان را به عهده بگیرد و طولانی‌تر از هر امام دیگری امامت شیعیان را به عهده داشته باشد. (کلینی، بی‌تا، ۱۹۳) علاوه بر آن دوران امامت امام صادق (ع) مصادف شد با تزلزل بنی امیه و فزونی یافتن قدرت بنی‌عباس و همین امر موجب شد تا بنی امیه گرفتار مشکلات سیاسی شده و فرصت ایجاد فشار به امام و شیعیان را نداشته و از طرف دیگر عباسیان نیز چون در پی به دست آوردن قدرت با شعار طرفداری از خاندان پیامبر بودند فشاری از طرف آنان بر امام و شیعیان وارد نشد و این دوران، زمان آرامش نسبی برای شیعیان و امام بود و به همین جهت عصر امام صادق (ع) منحصر به فرد بوده و شرایط اجتماعی و فرهنگی ایشان در زمان هیچ‌یک از امامان وجود نداشت و حضرت توانست به فعالیت‌های علمی و فرهنگی (پیشوائی، ۱۳۸۲، ۳۵۴) و استحکام بنیادهای فکری شیعه پرداخته و هویت جامعه شیعی را بازگرداند تا از این زمان به‌عنوان مذهب جعفری شناخته شود. (کشی، ۱۴۰۹، ق، ۲۵۵)

همچنین فرصت‌های به‌دست‌آمده برای امام صادق (ع) موجب شد تا حضرت به نشر حدیث پرداخته و ایشان را از امامان قبل از خود متمایز سازد زیرا در زمان‌های قبلی از جمله در زمان بنی امیه کسی جرئت نقل حدیث را نداشت به‌نحوی که مالک ابن انس از امام صادق تا زمان به حکومت رسیدن بنی‌عباس حدیث نقل نکرد. (ذهبی، ۱۴۱۴، ق، ۶، ۲۵۶) به همین جهت شیخ مفید می‌گوید: از علمای اسلام فردی به‌اندازه امام صادق (ع) حدیث نقل نکرده است. (اربلی، ۱۳۸۱، ش، ۲، ۱۶۶) احادیث امام نه‌تنها در مسائل فقهی خلاصه نمی‌شد بلکه در زمینه تفسیر، کلام، اخلاقیات، احادیث ارزشمندی برجای مانده است به‌نحوی که ابوزهره عالم سنی به این امر

معتبر است. (اسد حیدر، ۱۴۲۲ ق، ۶۶) همین امر باعث شد تا آوازه‌ی علمی ایشان از پدر و امامان دیگر غیر از امام علی (ع) بیشتر پیچیده شود تا جایی که یعقوبی گزارش می‌کند که دانشمندان در زمان امام صادق (ع) وقتی روایتی از او نقل می‌کردند می‌گفتند: «عالم فاضل به ما اطلاع داد.» (یعقوبی، بی‌تا، ۲، ۳۸۱) عاملی دیگری که این دوران را متفاوت کرد تضارب افکار و آراء بوده، زیرا علوم مختلفی اعم از اسلامی و غیر اسلامی در میان مسلمانان پدید آمد به نحوی که هرکسی تفکری داشت به بازار علم مسلمانان عرضه نمود همین امر تشنگی علمی عجیبی را به وجود آورده بود که در گذشته وجود نداشت. (پیشوائی، ۱۳۸۲، ۳۵۴)

یکی دیگر از فرصت‌های امام صادق (ع) برخورداری از جایگاه اجتماعی مناسب در میان مردم مدینه که اکثریت آنان از اهل سنت بودند به نحوی که امام خود شاهد احترام علماء معروف مدینه بودند (یعقوبی، بی‌تا، ۳، ۴۶ و کشی، ۱۴۰۹ ق، ۷۶-۷۹) زیرا امام از طرف مادر منسوب به قاسم بن محمد بن ابوبکر بود که مردم مدینه او را از محدثین بزرگ زمان دانسته و نزد آنان مقبول بود. (ابن سعد ۱۳۲۵ ق، ۱۸۹ و طبری، ۱۳۷۱، ۲، ۱۱۸۳) علاوه بر این حضرت در نزد اهل سنت از جایگاه علمی و معنوی بسیار بالایی برخوردار بود به نحوی که او را استاد مسلم، ابوحنیفه، مالک ابن انس و شمار زیادی از محدثان بزرگ زمان خود به شمار آورده‌اند و مالک از شخصیت امام تمجید کرده است. (حیدر اسد، ۱۴۲۲ ق، ۲، ۵۳)

همچنین جاحظ از علمای قرن سوم می‌گوید: جعفر بن محمد کسی بود که فقهش عالم‌گیر شده بود. (جاحظ، ۲۰۰۲ م، ۱۰۶) درباره‌ی جایگاه علمی و معنوی امام صادق (ع) در میان اهل سنت سخنان بسیار زیادی از اندیشمندان نقل شده است که استاد اسد حیدر قسمت عمده‌ی آن را در کتاب الامام الصادق و المذاهب الاربعه گردآورده است. (حیدر اسد، ۱۴۲۲ ق، ۱، ۶۲-۵۱) از این رو کثرت دانش‌اندوزان از اهل سنت در درس امام صادق نشان‌دهنده‌ی عظمت علمی و معنوی و جایگاه اجتماعی ایشان در میان اهل سنت است که برای پیشوایان قبل از او چنین فرصتی فراهم نشده به گونه‌ای که ابوزهره می‌نویسد: دانشمندان اسلام با تمام اختلاف نظر در فردی مثل امام صادق (ع) و علم او اتفاق نظر دارند. (همان، ۶۶)

عامل دیگری که زمان امام صادق (ع) را از زمان‌های دیگر متمایز می‌سازد وجود قیام‌هایی همچون قیام زید بن علی در سال ۱۲۲ هـ (طبری، ۱۳۷۱ ش، ۷، ۱۶۲-۱۶۶) و قیام محمد نفس زکیه در سال ۱۴۵ هـ (ابن قتیبه، ۱۹۹۲ م، ۳۷۸) بود. گر چه این قیام‌ها جنبه‌ی تخریبی داشته و با شکست مواجه شدند اما توانستند زمینه را برای قیام‌های بعدی مساعد نموده و نقش امام

صادق (ع) را برای آینده فعال نموده (جعفری، ۱۳۸۲، ۳۱۲) و مدت‌زمان زیادی حکومت را درگیر خود نموده و برای امام فرصت ویژه‌ای را فراهم نمایند و اثر عمیقی بر بسط و توسعه کل نهضت تشیع گذاشته به طوری که بسیاری از فضایل کوفه و رهبران شهرهای دیگر از اهداف زید پشتیبانی و یا با او همدردی نمودند (اصفهانی، ۱۳۸۵، ق، ص ۱۴۵ به بعد)

تقیه یکی دیگر از فرصت‌هایی بود که برای امام صادق (ع) حاصل شد به گونه‌ای که بیشترین روایات تقیه از امام صادق (ع) صادر شد. به عنوان مثال، با بررسی روایات کتاب وسائل الشیعه شیخ حر عاملی (۱۱۰۴ق) تعداد ۱۴۵ روایت در باب تقیه ثبت شده که ۸۱ روایت آن از امام صادق نقل شده است. ظهور تقیه در این عصر معلول فشارهای سهمگین حکومت‌های مرکزی و همچنین طولانی بودن دوران امامت حضرت و توفیق فراوان امام در نشر معارف و همین‌طور اختلاف مذاهب و چهار هزار شاگرد و شدت اختلاف اقلیت شیعیان با اکثریت سنی و فعالیت غالبان بود. (صفری، ۱۳۹۴، ۹۳-۹۴) به همین جهت فعالیت‌های امام در این عصر بیشتر پنهانی انجام می‌گرفت که تاریخ به طور دقیق چگونگی کار امام را گزارش نکرده است اما به طور مسلم رهبری شیعه دارای برنامه و فعالیت‌های پنهانی در جهت انسجام امامی مذهب‌بان بوده که در دوره‌های بعد آثارش نمایان شد. (طوقوش، ۱۳۹۵، ۶۷)

۳- آسیب‌های فرهنگی موجود در عصر امام صادق (ع)

باید توجه داشت که عصر امامت امام صادق (ع) فقط دارای فرصت نبود بلکه در این زمان آسیب‌های متعددی همچون آسیب‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی نیز امام و شیعیان را تهدید نمود. از این رو چون نوشتار حاضر ناظر به مسائل فرهنگی است در اینجا تنها به مهم‌ترین آسیب‌های فرهنگی موجود در عصر امام صادق (ع) پرداخته می‌شود.

۳-۱- عدم رازداری اصحاب

یکی از آسیب‌های اصحاب امام صادق (ع) عدم رازداری بود، زیرا عدم توجه به آن موجب تهدید جان اصحاب گردید و حتی منجر به کشته شدن آنان شد چنانچه امام (ع) یکی از اصحاب را به نام معلی بن خنیس امر به کتمان و رازداری نمود و در موارد مختلفی به او گوشزد کرد که احادیث را برای نااهلان بازگو نکند. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۶، ۲۰۷ و ۲۱۰) ابو بصیر نمونه‌ی دیگری

است که مورد توصیه‌ی امام (ع) برای رازداری و کتمان سر قرار گرفت. درجایی ابوبصیر از امام صادق (ع) گلایه کرد که چرا در این زمان کسی نیست مانند حضرت علی (ع) که بعضی از اسرار را برای یاران خود بیان کند امام (ع) فرمود: در این زمان نیز کسی هست، اما تو یک حدیث برای من شاهد بیاور که از من شنیده و کتمان کرده باشی، ابوبصیر گوید: سوگند به خدا حدیثی نیافتم که کتمان کرده باشم. (همان، ۲۵۳). چراکه مخالفان در پی شناسایی اصحاب خاص امام بودند تا آنان را از بین ببرند و همین امر باعث قتل معلی به دست فرماندار مدینه، داوود بن علی گردید زیرا از معلی خواست تا نام اصحاب خاص امام را بگوید ولی او امتناع نموده و بدین جهت کشته شد (طوسی، ۱۴۱۵، ق، ۲۱۰ و مفید ۲، ۱۸۵-۱۸۴) بدین معنا که اگر معلی تقیه نمی‌کرد و اصحاب امام را معرفی می‌نمود در پی آن معارف نیز از بین می‌رفت.

اما آشکار نمودن اسرار علاوه بر اینکه منجر به کشته شدن اصحاب پیامدهای دیگری نیز داشت، چراکه امام صادق (ع) فرمود کسی که اسرار ما را کتمان کند خدا او را عزیز کرده و وارد بهشت می‌کند، ولی کسی که اسرار ما را آشکار کند خدا او را ذلیل نموده و وارد جهنم می‌گرداند سپس امام (ع) فرمود: کسی که راز ما فاش نماید همچون کسی است که بر روی ما شمشیر کشیده است (جرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۶، ۲۵۳ و ۲۵۰ و ۲۳۷ و ۲۳۵ و ۲۱۰) و چنین افرادی به‌طور عمدی ما را به قتل رسانده‌اند. (همان، ۲۵۱-۲۵۲) به نظر امام صادق (ع) رنج و زحمت چنین کسانی از سختی و زحمت دشمن بیشتر است. (همان، ۲۵۲) اهمیت رازداری به حدی است که امام بارها با لفظ اذاعه در قالب تعابیر مختلف به پیامدهای آن اشاره دارد. امام (ع) در روایتی فرمود: کسی که روزش را به فاش کردن راز ما آغاز کند خلوند داغی آهن و تنگای زنانها را بر او چیره خواهد کرد (همان، ۲۴۷) و به فرموده‌ی امام (ع) کسی که چنین عملی را مرتکب شود خلوند ایمان را از او خواهد گرفت (همان، ۲۵۰) و حتی از دین خارج است. (همان، ۲۵۳) در روایت دیگری فرمود: کسی که سر ما را فاش کند او در ما شک داشته و اگر نزد ناهلان بیان کند کافر است اما کسی که به عروه‌الوثقی چنگ بزند اهل نجات است وقتی سؤال شد آنان چه کسانی هستند امام (ع) فرمود کسانی که در برابر دستورات و فرامین تسلیم هستند (همان، ۲۵۰) همچنین کسی که رازدار باشد مثل فردی است که در راه خدا می‌جنگد (همان) از بیانات امام روشن می‌گردد که تنها عدم رازداری می‌تواند آثار زیادی همچون جنگ باخدا، شک در اهل بیت، جنگ با آنان و کشتن آن‌ها را از روی عمد ورود به جهنم، چشیدن داغی آهن و تنگای زندان، کفر و خروج از دین و ایمان، بدتر از دشمن و از بین رفتن عزت را داشته باشد که همه‌ی این آثار در ضعف

فرهنگ نقش خواهد داشت.

۲-۳- اختلافات فکری درون مذهبی

یکی دیگر از آسیب‌های اجتماعی در زمان امام صادق (ع) اختلافات فکری درون مذهبی بود، به طوری که برخی از اصحاب امام (ع) معاشرت با اهل سنت را ترک کرده و معتقد بودند که اگر در برخورد با آن‌ها عقیده‌ی خود را بیان کنند موجب کینه و دشمنی خواهد شد و اگر عقیده‌ی خود را مخفی و تقیه نمایند خود را مقصر در ادای حق دانسته‌اند (مکارم، ۱۳۸۳، ۱، ۴۱۰-۴۰۵) درحالی که توصیه بر وحدت بین مسلمانان از آموزه‌های مهم اسلامی است و قرآن به آن تأکید نموده است. (آل عمران، ۱۰۳)

از این رو یکی از عواملی که موجب عدم همبستگی بین مسلمانان و شیعیان گردیده بود وجود فرقه‌های مختلف بودند به عنوان مثال زیدیه در ابتدا رنگ و بوی سیاسی داشت اما بعد از قتل زید بن علی به یک فرقه فکری تبدیل شد زیرا زید برای جذب مسلمانان عمده‌ی احادیث اسلامی را پذیرفت و با حفظ اعتقاد شیعی خود، امامت مفضول را نیز قبول کرد. همچنین با پذیرش حقانیت شیخین از جانب واصل بن عطاء، حمایت بی‌دریغ معتزله و بسیاری از محدثین را به خود جذب کرد. (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ۹، ۳۱۱؛ ذهبی، ۱۴۰۹، ۴، ۳۰۰؛ اصفهانی، بی‌تا، ۱۳۰-۱۳۹) همین عامل موجب شد تا بسیاری از شیعیان از وی دور شده و اختلاف در میان آنان ایجاد گردد و وحدت و همبستگی در میان آنان از بین برود؛ اما آنچه حائز اهمیت است، اختلاف زیدیه با امامیه در مسئله‌ی تقیه است، چراکه تقیه از مسائل مهم مکتب امامیه محسوب می‌گردد علی‌رغم تأکید امام صادق (ع) بر این مسئله، زیدیه مخالف تقیه هستند و قیام به سیف را واجب می‌دانند (صابری، ۱۳۸۳، ۲، ۸۱)

عامل دیگری که موجب اختلاف بین شیعیان امامی گردید احکام فقهی آنان بود، چون برخی متمایل به پذیرش عمل اصحاب حدیث کوفه بودند و عمدتاً بر پایه‌ی دستورات عمر عمل کردند مثلاً در ازدواج موقت بر اساس تصمیم عمر به ممنوعیت آن فتوی می‌دادند. (الهامی، ۱۳۷۵، ۴۰۳). همچنین اختلاف در احکام اعتقادی باعث تفرقه شد به عنوان نمونه فرقه مرجئه معتقد بودند که مسلمان با ارتکاب گناه کبیره از اسلام خارج نمی‌شود و همین امر موجب شد سکوت اختیار کنند و اطاعت محض از حکومت داشته باشند و بگویند اگر امام مرتکب گناه کبیره شد از مسلمانی خارج نمی‌شود و نماز خواندن با او نیز صحیح است و می‌گفتند همه چیز به ایمان بستگی

دارد و اگر ایمان درست باشد نبود عمل به آن ضرر نمی‌زند. (شهرستانی، ۱۳۷۹، ۱، ۱۶۲) این اندیشه باعث شد که روح انقلابی اسلام از بین برود چراکه مردم بدون قید و شرط حکمرانی امویان و دیگر حاکمان را بپذیرند هرچند آزار و اذیت آنان به بالاترین حد خود برسد (معروف حسنی، ۱۳۸۲ق، ۱۷۴) بنابراین تفکرات این فرقه برای شیعیان امامی بسیار خطرناک بود زیرا آنان با این نوع تفکر زمینه را برای خلافت فراهم می‌ساختند و حتی معتقد بودند که برای از بین بردن جنگ‌های داخلی میان مسلمانان مانعی ندارد که دو خلیفه هم‌زمان باهم حکومت کنند و با اندیشه‌های خود فضای فکری جامعه را آلوده کرده بودند. (قیومی، ۱۴۲۳، ۱۳۳-۱۳۴ و همو ۱۴۱۹، ۱۰۸-۱۰۹) همچنین تفکر اعتزالی که توسط واصل بن عطا نشر پیدا کرد و به نام معتزله نام گرفتند (مسعودی، ۱۴۰۹، ۴، ۲۲) و توانستند در زمان امام صادق (ع) حضور فعال داشته و در وضعیت فکری و فرهنگی اجتماعی شیعیان تأثیر زیادی داشته باشند.

۳-۳- بی‌توجهی یا عدم آگاهی برخی از اصحاب به حساسیت‌های زمانه

عدم حفظ آبروی اصحاب امام صادق (ع)، آسیب فرهنگی دیگری بود، زیرا حفظ آبروی هر دین و مذهبی از مهم‌ترین مسائل فرهنگی آن خواهد بود و از میان ادیان و مذاهب اسلامی، مذهب امامیه به جهت اینکه منتسب به ائمه‌ی اثناعشر می‌گردد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، به همین جهت حفظ آبروی این مذهب توسط خود امامیه از مهم‌ترین موضوعات آن بود و در سفارش‌های امام صادق (ع) تأکید فراوانی به آن شد. به‌عنوان مثال، امام صادق (ع) در روایتی خطاب به هشام کندی فرمود: کاری نکنید که ما را به آن سرزنش کنند، زیرا به خاطر رفتار بد فرزند، پدرش را سرزنش می‌کنند برای امام خود زینت باشید و عیب و ننگ او نباشید (همان) در روایت دیگری فرمود: ای گروه شیعه موجب زینت ما باشید نه باعث ملامت و سرزنش ما، با مردم نیکو سخن بگویید و زبانتان را حفظ کنید و آن را از زیاده‌روی و زشت‌گویی بازدارید (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۶، ۲۱۸) همچنین امام صادق (ع) از پیامبر (ص) نقل کرد که جبرئیل هیچ‌گاه برای موعظه‌ی من نیامد، مگر اینکه آخرین سخنش این بود که از درگیری با مردم بپرهیز که باعث کشف عورت و از بین رفتن حرمت آدمی می‌شود. (همان، ۱۲، ۲۳۹)

بر این اساس روشن می‌گردد که علت توصیه‌ی امام صادق (ع) به حفظ آبروی امامیه بدین جهت بود که عده‌ای در اجتماع با نسبت دادن خود به شیعیان، خواسته یا ناخواسته در پی

تخریب چهره‌ی شیعیان بودند و شیعیان را بدنام و منزوی جلوه می‌دادند (صلوق، ۱۳۷۶، ۲۷-۲۶) به‌عنوان مثال غلات با رخنه نمودن در درون شیعیان تلاش کردند تا آنان را از درون متلاشی نموده و چهره‌ی خارجی آنان را نیز خراب نمایند به‌نحوی که یکی از خوارج شیعه را مورد تهمت قرارداد، زیرا به گمان آنان شیعه به جهت دوستی با اهل بیت از انجام عمل صالح بی‌نیاز بوده و عذاب اخروی نیز از او برداشته می‌شود. (ابوالفرج، ۱۴۱۵، ۲۰، ۱۰۷) تخریب آنان به حدی بود که نه تنها ارباب فرق و مذاهب بلکه بسیاری از رهبران و نویسندگان اهل سنت همچون عبدالسلام رستم (صفری، ۱۳۷۸، ۳۱۳) تفاوت چندانی بین آنان و شیعیان قائل نبوده و پیروان خود را از پذیرش احادیث آنان منع کردند (جعفریان، ۱۳۸۶، ۳۳۷) به همین جهت امام بارها به شیعیان خود فرمود احادیث مغیره بن سعید العجلی (یکی از شیعیان افراطی) را نپذیرید. (نوبختی، ۱۳۶۱، ۴۳)

برخی نیز با زبان موجب بدنامی یاران و اصحاب امام و یا خود امام می‌شدند عبدالله بن سلمان گویند: امام صادق (ع) به من گفت همواره راز ما پوشیده بود تا آنکه به دست اولاد کیسان افتاد و آن را سر هر راه و ده‌کوره‌ای برده و برملا ساختند. (کلینی، بی‌تا، ۲، ۲۲۳) برخی هم با رفتار خود موجب بدنامی شیعیان شده بودند به‌عنوان نمونه ابان بن تغلب از اصحاب و راویان ثروتمند امام صادق (ع) زنی را در مکه متعه کرد ولی آن زن برایش نقشه کشید و توانست او را در صنلوقی حبس کند! آنگاه توسط چند کارگر، صنلوق را به باب الصفا‌ی مسجدالحرام آوردند و به ابان گفتند: «اینجا باب‌الصفا است، می‌خواهیم فریاد بزیم این ابان بن تغلب است و قصد زنا با زنی را داشت. پس ابان با پرداخت ده هزار درهم به آن‌ها خود را آزاد کرد». (مفید، ۱۴۱۳، ۱۵) وقتی این خبر به امام صادق (ع) رسید «فرمود مردم را با اعمالتان به خود دعوت کنید نه با زبانتان، مایه زینت ما باشید موجب ننگ ما نباشید». (کلینی، بی‌تا، ۲، ۷۷). گر چه ابان کار حرامی انجام نداده بود اما به جهت اینکه اهل سنت در مکه و مدینه در اکثریت بوده و متعه را حرام دانسته و در این زمان به‌گونه‌ای فرهنگ‌سازی شده بود که اگر کسی از دواج موقت انجام می‌داد، این عمل زنا تلقی می‌شد (مطهری، ۱۳۵۳، ۴۷) به همین دلیل حضرت به اصحاب فرمودند: «در مکه و مدینه، متعه را به من ببخشید؛ زیرا با من دررفت و آمد هستید. می‌ترسم شما را بگیرند و اتهام زنا بزنند و سپس بگویند این‌ها اصحاب جعفرند» (مفید، ۱۴۱۳، ۱۵)

۳-۴- عدم ظرفیت وجودی افراد جهت شنیدن معارف الهی

برخی از اصحاب امام صادق (ع) ظرفیت شنیدن بسیاری از معارف را نداشتند و با شنیدن معارف الهی به آشکار نمودن آن اقدام نمودند همین امر موجب شد تا جان و آبروی اصحاب به خطر بیفتد. به همین جهت حضرت معارف الهی را برای همگان به نحو یکسان بیان نکرد و بسیاری از معارف الهی کتمان ماندند تا جایی که برخی از اصحاب آن حضرت مانند عبدالله بن سنان به امام (ع) گلایه کرد که چرا برخی از معارف را برای ذریح محاربی بیان کرده ولی از عبدالله پنهان داشته است. امام (ع) فرمود: چه کسی می‌تواند آنچه را که ذریح تحمل می‌کند تحمل کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰، ۲۵۳، ح ۰۴). اگر امام (ع) معارف را برای همه شیعیان به طور یکسان بیان می‌کرد تا الآن بسیاری از آن معارف به دست دشمنان و مخالفان نابود شده بود و از سوی دیگر موجب نابودی شیعیان نیز می‌شد چنانچه در مورد معلی بن خنیس اتفاق افتاد. (مفید، ۱۳۸۰، ۲، ۱۸۴-۱۸۵) در همین رابطه امام (ع) خطاب به ابن ابی یعفور، (کشی، ۱۴۰۹، ق ۲، ۵۱۸) فرمود: هر کس تقیه ندارد ایمان ندارد، شما در میان مردم مانند زبورعسل در میان پرندگانید اگر پرندگان بدانند در درون زبورعسل چیست، همه آن‌ها را بخورند و اگر مردم بدانند آنچه در دل شماست که ما اهل بیت را دوست دارید شمارا با زبانشان بخورند و در نهان و آشکار ناسزاگویند، (از شما سعایت و سخن چینی کنند و به شما تهمت زند تا گرفتار زندان و شکنجه و اعدام شوید) خدا بیامرزد آن بنده‌ای را از شما که ولایت ما را داشته باشد. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ق ۱۶، ۲۰۵)

۴- اقدامات امام صادق (ع) در جهت رفع آسیب‌های فرهنگی

امام صادق (ع) برای برطرف نمودن آسیب‌های فرهنگی اقدامات متعددی انجام داد بخشی از این اقدامات به جهت مصالحی همچون ملارای با دیگران در قالب روایات تقیه صورت پذیرفت. برخی از این اقدامات عبارت‌اند از:

۱-۴- رازداری و تقیه

چنانچه گذشت یکی از آسیب‌های فرهنگی در عصر امام صادق (ع) عدم رازداری برخی اصحاب بود، همین امر موجب شد تا حضرت بسیاری از معارف را برای شیعیان بیان نکند و

کتمان بشود. (جرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۶، ۲۵۳). علم رازداری برخی از اصحاب حتی منجر به تهدید جان آنان نیز شد. (همان، ۲۰۷ و ۲۱۰) به همین جهت امام صادق (ع) خطاب به معلی بن خنیس که چیزی از ما را آشکار نکنید و هر کس ولایت و امر ما را آشکار نماید خدا او را موجب خواری او در دنیا و برطرف شدن روشنایی بین دو چشمش در آخرت می‌نماید ای معلی تقیه دین من و دین پدران من است و هر کس تقیه ندارد در واقع دین ندارد. (همان، ۲۳۶ و ۲۱۰) در جای دیگر به طور تلویحی به سلیمان بن خالد فرمود که شما بر دین کسی هستید که کتمان می‌کند. (همان، ۲۵۴ و ۲۴۸) علت توصیه‌ی امام این بود که بنا به روایتی معلی بن خنیس، یکی از افراتیون کوفه و مدعی پیامبری امامان بود (کشی، ۱۴۰۹، ق، ۲۴۷) و امام صادق (ع) اعتقادی به وی نداشت، بلکه در مورد ایشان تردید داشت. (جعفری، ۱۳۸۲، ۳۴۶)

همچنین فضا، طوری بود که فاش کردن اسرار خطر جانی برای امام و شیعیان داشت. به همین جهت امام صادق (ع) تقیه و کتمان سر را از راهبردی‌ترین بایسته‌ها دانست و فرمود: مراد خداوند از حسنه در آیه‌ی سی چهارم سوره فصلت، تقیه و از سیئه آشکار کردن است و قول خداوند که فرمود: ادْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ (موءمنون، ۹۶)؛ احسن همان تقیه است و زمانی که بین شما و دیگری دشمنی وجود دارد، تقیه شمارا یاری می‌کند. (جرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۶، ۲۰۷) در اهمیت رازداری امام صادق (ع) به ابوجعفر احوال فرمود: به راستی، خداوند عزیز و جلیل در قرآن، مردمی را به خاطر افشاگری سرزنش کرده است. ابوجعفر پرسید: فدایت شوم در کجای قرآن چنین فرموده است؟ فرمود: این آیه است: «و چون خبری حاکی از ایمنی یا وحشت به آنان برسد انتشارش دهند» (سوره نساء، آیه ۸۳) سپس امام صادق (ع) فرمود: کسی که راز ما را بر زبان ما فاش نماید همچون کسی است که بر روی ما شمشیر کشیده است، خدا مورد رحمت قرار دهد بنده‌ای را که علم محرمانه ما را بشنود و آن را زیر پای خود دفن نماید ای پسر نعمان! همانا من حدیثی با یکی از شما بازگویم و او از قول من آن حدیث را در هر جا بازگو نماید و به این خاطر من [از روی تقیه] به لعن او پردازم و اظهار بیزارگی از او را جایز شمارم؛ زیرا پدرم همیشه و بارها می‌فرمود: چه چیزی روشنی‌بخش‌تر است برای چشم از تقیه؟ همانا تقیه سپر مؤمن است و اگر تقیه نبود خداوند عبادت نمی‌شد و خداوند عزیز و جلیل فرموده است: «مؤمنان نباید کافران را به جای مؤمنان به دوستی بگیرند و هر که چنین کند در هیچ چیز او را از دوستی

^۱ بدی را به بهترین راه و روش دفع کن

خدا بهره‌ای نیست، مگر اینکه از آنان به‌نوعی تقیه نمایند» (آل عمران، آیه ۲۸) (شعرانی، ۱۳۸۲). همچنین امام صادق (ع) در روایت دیگری خطاب به هشام کندی که مبدا کاری کنید که ما را بدان سرزنش کننده همانا فرزند بد پدرش را به کردار او سرزنش کنند برای کسی که به او دل داده‌اید (امام خود) زینت باشید و عیب و ننگ نباشید در میان عشایر آن‌ها نماز بخوانید و از بیمارانشان عیادت کنید و بر جنازه آن‌ها حاضر شوید مبدا آن‌ها در هیچ خیری از شما پیشی گیرند که شما نسبت به خیر از آن‌ها سزاوارترند به خدا سوگند که خدا به چیزی که محبوب‌تر باشد نزد او از خبء عیادت نشده، عرض کردم خبء چیست؟ فرمود: تقیه. (کلینی، ب تا، ۳؛ ۳۱۱) بنابراین از دیدگاه امام صادق (ع) رازداری و تقیه یکی از مهم‌ترین راهکارها برای حفظ و اشاعه‌ی فرهنگ اصیل شیعی است و به همین دلیل حضرت توانست بسیاری از معارف الهی را نشر دهد.

۲-۴- همزیستی مسالمت‌آمیز شیعیان با دیگران

در حقوق بین‌الملل همزیستی مسالمت‌آمیز را به زندگی ملت‌ها و اقوام مختلف به صورتی که در برابر قانون برابر باشند و حقوق همدیگر را رعایت و منازعات را به‌صورت مسالمت‌آمیز حل و فصل کنند تعریف کرده‌اند (کریمی‌نیا، ۱۳۸۲: ۸۹)؛ اما همچنان که اشاره شد در دوره امامت امام صادق (ع) همزیستی مسالمت‌آمیز بین مسلمانان دچار آسیب شده به طوری که برخی از اصحاب امام معاشرت با اهل سنت را ترک کرده (مکارم، ۱۳۸۳، ۱، ۴۱۰-۴۰۵) و عواملی همچون فرقه‌های موجود در عصر امام (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ۹، ۳۱۱؛ ذهبی، ۱۴۰۹، ۴، ۳۰۰؛ اصفهانی، بی تا، ۱۳۰-۱۳۹) و همچنین احکام گوناگون فقهی (الهامی، ۱۳۷۵، ۴۰۳) و اعتقادی (شهرستانی، ۱۳۷۹، ۱، ۱۶۲) موجب تفرقه گردیده بود این اختلاف‌ها برای مسلمانان و ازجمله شیعیان بسیار خطرناک بود و دشمنان از جمله دستگاه خلافت از آن بهره‌برداری می‌کرد و همبستگی بین آنان را از بین برده بود. (اسدحیدر، ۱۴۲۲، ۱۸۵)

امام صادق (ع) برای رفع این آسیب فرهنگی اقدام نمود و تقیه را زمینه‌ساز همزیستی مسالمت‌آمیز دانست و از پدرشان حکایت کرد که هر کس تقیه را مراعات کند خدا او را بالا می‌برد و هر کس به تقیه عمل نکند خدا او را پست می‌کند. (کلینی، بی تا، ۱، ۲۱۷) این روایت حاکی از آن است که تقیه موجب عزت اجتماعی شده و رعایت حال دیگران موجب می‌شود که

احترام خود مؤمنان در میان جامعه حفظ شود. امام در همین رابطه ایمان را به گوهری گران‌بها تشبیه نموده و روش حفظ آن را در تقیه قرار داده و عدم رعایت آن‌ها سبب نابودی مؤمنان واقعی دانسته است. (همان، ۱، ۲۱۸) در همین رابطه حضرت فرمود: با منافق با زبانت به‌طور ساختگی رفتار کن و برای مؤمن محبتت را خالص گردان و با یهودی خوش‌رفتار باش. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۲، ۲۰۱) برخورد گوناگون با عقاید مختلف حاکی از مدارا با پیروان دیگر ادیان دارد.

امام صادق (ع) به هشام کندی توصیه کرد که در میان مردم نماز بخوانید و از بیمارانشان عیادت کنید و بر جنازه آن‌ها حاضر شوید مبادا آن‌ها در هیچ خیری از شما پیشی گیرند که شما نسبت به خیر از آن‌ها سزاوارترید. (کلینی، بی‌تا، ۳، ۳۱۱) در این روایت واژه «خیر» شامل هر خیری می‌شود و از شیعیان خواسته شده تا در هر خیری پیش‌قدم باشند؛ زیرا پیش‌قدمی شیعیان در جامعه کاملاً آنان را ممتاز می‌کند. به همین دلیل به حضور در مساجد فرقه‌های غیر شیعه نیز تأکید شد (همان، ۲، ۶۳۵) حتی نماز خواندن با آنان از فضیلتی معادل نماز خواندن با پیامبر اکرم (ص) برخوردار است (همان: ۳، ۳۸۰) و نه تنها به خواندن نماز در مسجدی که مخالفان امام جماعت آن بوده‌اند ترغیب کرد، بلکه از برقراری چند نماز جماعت که نشانه اختلاف و چنددستگی است منع نمود (طوسی، ۱۳۶۵، ۳/۵۵).

روایات متعددی نیز وجود دارد که حکایت از ضرورت شرکت در جماعت مسلمانان دارند حتی اگر شخص شرکت‌کننده تحمل همراهی کامل را نداشته و به شکل صوری و ظاهری همراهی کند (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۸، ۲۹۹). ائمه (ع) نیز خودشان اولین کسانی بودند که به این حکم عمل کردند امام کاظم (ع) ضمن بیان اینکه امام حسن و امام حسین (ع) پشت سر مروان بن حکم نماز خواندند تأکید کرد که ما هم با مسلمانان دیگر نماز خواندیم (همان، ۳۰۱). بنابراین از دیدگاه ائمه (ع) شرکت در همه مراسم‌های اجتماعی که به وحدت جامعه و مستحکم‌تر شدن پیوند اجتماعی کمک کند مطلوب محسوب می‌شود.

از این رو قلمرو تقیه‌ی اجتماعی جهت ایجاد همبستگی و وحدت در جامعه‌ی مسلمانان به‌موازات وسعت مصلحتی است که در جامعه بر آن مترتب می‌شود از این رو تقیه‌ی مداراتی یک فعالیت پویاست که از ضرر تفرقه جلوگیری می‌کند و تلاش می‌کند به اسلام آبرو داده و برای پیشبرد اهداف بزرگی است که به نفع همه خواهد بود و به همین دلیل ممکن است با ترک این نوع تقیه ضرری متوجه خود فرد نباشد اما با این حرکت موجب تغییر در آیین و برنامه‌ی اسلامی گردیده که سود و نفع آن برای وی قابل لمس نیست اما در سطح کلان تأثیرگذار خواهد بود.

(صفری، ۱۳۹۴، ۵۲) و سفارش امام صادق به مشارکت اجتماعی برای همین امر است. (کلینی، ۱۳۶۵، ۲، ۶۳۵)

در مورد پیامد همزیستی مسالمت‌آمیز امام خمینی نیز وقتی تقیه را به مداراتی و کتمانیه و خوفیه تقسیم می‌کند می‌گوید مراد از تقیه‌ی مداراتی این است که خواسته‌ی اصلی در آن خود وحدت کلمه و اتحاد بین مسلمین بر اساس دوستی با مخالفان و جلب محبت آن‌هاست بدون آنکه خوف از ضرر مطرح باشد آن‌گونه که این شرط در تقیه‌ی خوفیه است. (خمینی، بی‌تا، ۲، ۱۷۴-۱۸۰) بنابراین توصیه‌ی امام صادق، آن‌هم در قالب تقیه به جهت درمان تفرقه و ایجاد وحدت بین مسلمانان است و اگر چنین تقیه‌ای اتفاق نمی‌افتاد مسلمانان دچار پراکندگی و وحدت کلمه بین آنان از بین رفته و موجب خارج شدن از سلطه‌ی بیگانگان نمی‌گردید و همچنین عظمت امت اسلامی از بین رفته و تبدیل به یک قدرت ضعیف می‌شد و تقیه‌ی اجتماعی به این دلیل وضع شده است که مذهب حق بماند و اگر تقیه نبود این اقلیت دینی در طول تاریخ در میان اکثریت باطل بارها در معرض زوال و نابودی قرار می‌گرفت. (همو، ۱۳۷۸، ۲، ۱۴۷)

۳-۴- توجه به حساسیت‌های زمانه

همان گونه که اشاره شد زمان امام صادق (ع) به نحوی بود که بیشتر شیعیان در کوفه بودند و سایر مراکز شیعه نداشت و یا در شهری مثل مدینه شیعیان در اقلیت بودند. (ابن معین، ۱۳۹۹، ۴، ۳۷۲) به همین جهت بی‌توجهی و یا عدم آگاهی برخی شیعیان از حساسیت‌های موجود باعث به وجود آمدن آسیب‌های فرهنگی همچون از دست رفتن آبرو (مفید، ۱۴۱۳، ۱۵) و جان شیعیان شد. (حرعاملی، ۱۴۰۹، باب ۳۱) اما امام صادق (ع) شیعیان را به حساسیت‌های زمان خود توجه داد و بهترین راهکار را برای دفع این آسیب فرهنگی منارا دانست و به ابن‌مسکان فرمود:

گمان می‌کنم که اگر کسی نزد تو به حضرت علی (ع) ناسزا بگوید اگر بتوانی بینی شخص را بخوری این کار را خواهی کرد! ابن‌مسکان گفت: آری، به خدا سوگند که من و خاندانم این‌گونه هستیم. حضرت فرمود: «این کار را نکن. گاه من از کسی می‌شنوم که به حضرت علی (ع) ناسزا می‌گوید درحالی که میان من و او تنها یک ستون فاصله است. من پشت آن ستون مخفی می‌شوم و مشغول نماز می‌گردم. هنگامی که از نماز فارغ شدم، می‌روم و از کنار آن مرد می‌گذرم و به او دست می‌دهم و سلام می‌کنم. (برقی، ۱۳۷۱، ۱، ۳۱۳) در این

روایت امام صادق (ع) اصحاب را از حساسیت‌های زمانه آگاه کرد و تقیه و مدارا با دشمنان خدا را از برترین صدقه‌ها دانست و نتیجه‌ی عالی مدارا را چنین بیان فرمود: کسی که با مردم مدارا کند و از برخورد شدید با مردم دوری گزیند در حقیقت او تنها یکدست (یک نفر) را از آزار مردم دور داشته، اما دست‌های (افراد) فراوانی را از اذیت و آزار خود بازداشته است. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۱۵، ۳۰۱)

از این روایات روشن می‌گردد که حضرت علاوه بر اینکه به راهکارهای حفظ اصحاب از انواع آسیب‌ها اقدام کرد برای حفظ جان خود نیز اقدام نمود، چراکه هرگونه تهدید برای امام (ع) آسیب برای اصحاب نیز بود، حماد بن واقد لحام کوفی گوید: «با ابوعبدالله صادق (ع) در راهی مواجه شدم اما روی خود را بازگردانده و رفتم، سپس روزی به خدمت او شرفیاب شدم و گفتم: قربانت کردم من با شما مواجه می‌شوم، اما روی خود را باز می‌گردانم و می‌روم مبادا مایه‌ی گرفتاری و سختی شما شوم. ابوعبدالله (ع) گفت: خدایت رحمت کند ولی دیروز در فلان جا مردی مرا دید و گفت علیک‌السلام یا اباعبدالله، او کار شایسته‌ای نکرد» (کلینی، ۱۴۰۹، ۲، ۲۱۹) حضرت در روایات مختلف و با مضامین گوناگون و به‌طور مکرر به تقیه توصیه نموده و آن را از بهترین راهکارها جهت حفظ جان و دین و ایمان و دفع بدی و همزیستی مسالمت‌آمیز دانسته است. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۶، ۲۵۳ و ۲۵۰ و ۲۳۷ و ۲۳۵ و ۲۱۰)

امام صادق (ع) برای دفع حساسیت‌ها در برخی مواقع حتی شیعیان خود را از روی تقیه مورد لعن قرار داد. (همان، ۸، ۱۸۵-۱۸۶) به‌عنوان نمونه، درباره‌ی زراره چنین اتفاق افتاد که حضرت در جمعی او را مورد مذمت و لعن قرار داد. (کشی، ۱۴۰۹، ۱۳۸) در جای دیگر امام صادق (ع) به عبدالله فرزند زراره فرمود: سلام مرا به پدرت برسان و بگو این که من از تو بدگویی کردم به جهت دفاع از تو بود، زیرا مردم و دشمنان هرگاه بدانند ماکسی را دوست داریم و خوبی او را می‌گوییم به سرعت به اذیت و آزار او اقدام می‌نمایند. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۸، ۱۸۶-۱۸۵)

به همین جهت وقتی یکی از یاران امام از حضرت پرسید که ما شیعیان در معاشرت با اقوام و عشیره‌ی خود با سایر طبقات مردم که در سلک مذهب ما نیستند چه وظیفه‌ای داریم؟ ایشان جواب دادند به رهبران خود بنگرید که مقتنای شما هستند و با مردم همان‌گونه معاشرت کنید که رهبران شما معاشرت می‌کنند به‌خدا سوگند که رهبران شما از بیماران مردم عیادت می‌کنند جنازه‌هایشان را تشییع می‌کنند در محضر قضاتشان حاضر می‌شوند و به سود و ضرر آنها گواهی می‌دهند و امانت آنان را نگهداری می‌کنند و باز پس می‌دهند. (همان، ۱۲، ۶)

رفتار مسالمت‌آمیز امام (ع) با اهل سنت به گونه‌ای بود که حتی آنان به منزل امام رفت و آمد می‌کردند. به عنوان مثال، مالک بن انس با اینکه مخالف آرای امام بود، گوید: وقتی نزد امام صادق (ع) می‌رفتم حضرت مزاح می‌نمود و همواره تبسم بر لب‌هایش بود و حضرت همیشه در حال نماز و روزه یا در حال قرائت قرآن بود او از عالمان زاهدی که از خدا خوف داشت هرگز نشد که به محضرش شرفیاب شوم جز اینکه زیراندازی که زیر پای آن حضرت گسترده بود آن را از زیر پایش برمی‌داشت و زیر پای من می‌گستراند (قاضی عیاض، بی‌تا، ۱، ۵۵)

سفارش به مدار و تقیه در کلام حضرت دارای چندین مؤلفه است:

اول: اینکه شما به عنوان اصحاب جعفر بن محمد معاشرت کنید.

دوم: معاشرت رابطه‌ای اجتماعی و بین مذاهبی بوده است.

سوم: معاشرت همه جانبه بوده مثل معاشرت در نماز جماعت‌ها و عبادت‌ها، زیرا مسجد اجتماعی‌ترین محل بوده و از نظر اسلام دارای اهمیت است و از سوی دیگر معاشرت در تمام امور روزمره شامل: شادی، غم، تشییع جنازه و غیره فرقی ندارد و هدف امام از این نوع تقیه همزیستی مسالمت‌آمیز و وحدت بین امت بوده است.

۴-۴- بیان احکام و معارف به گونه‌های مختلف

چنانچه بیان شد برخی از اصحاب امام صادق (ع) ظرفیت شنیدن بسیاری از معارف را نداشتند و با شنیدن معارف الهی به آشکار نمودن آن اقدام نمودند همین امر موجب شد تا جان و آبروی اصحاب به خطر بیفتد. امام صادق (ع) برای درمان این آسیب پاسخ برخی از اصحاب که ظرفیت شنیدن را داشتند داد و از پاسخ برخی که ظرفیت شنیدن را نداشتند صرف نظر نمود چنانچه برای عبدالله بن سنان و ذریح محاربی اتفاق افتاد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰، ۲۵۳، ح ۴). حضرت دلیل پنهان کاری را به ابن ابی یعفور این‌طور فرمود: که شما در میان مردم مانند زنبور عسل در میان پرندگانید اگر پرندگان بدانند در درون زنبور عسل چیست، همه آن‌ها را بخورند و اگر مردم بدانند آنچه در دل شماست که ما اهل بیت را دوست دارید شمارا با زبانشان بخورند و در نهان و آشکار ناسزاگویند. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۶، ۲۰۵)

تدبیر دیگر امام صادق (ع) این بود که احکام و معارف الهی را به گونه‌های مختلف بیان کرد و برای پرسش‌های مشابه پاسخ‌های متفاوت داد، در این باره زراره گوید: مسئله‌ای از امام باقر (ع)

پرسیدم و حضرت پاسخ داد. سپس مرد دیگری همان سؤال را پرسید و حضرت پاسخ دیگری داد. مرد دومی آمد و امام (ع) پاسخی متفاوت از دو پاسخ قبلی داد. زراره سبب پرسید و امام (ع) فرمود: «چنین عملی برای ما بهتر است و موجب بقای شما (شیعیان) خواهد شد و اگر شما همگی یک‌سخن بگویید و اختلافی نداشته باشید مردم شما را تصدیق کرده و این به ضرر ما و شما خواهد بود و برای بقای ما و شما خطرناک‌تر است.» زراره همین مسئله را در نزد امام صادق (ع) مطرح کرد و امام (ع) مانند پدرشان جواب داد. (کلینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۵)



نتیجه

دوران امامت امام صادق (ع) متمایز با دوران ائمه قبل از خود بود زیرا عواملی همچون تزلزل بنی امیه، به قدرت رسیدن بنی عباس، مدت امامت حضرت، جایگاه اجتماعی ایشان در میان اهل سنت، وجود برخی از قیام‌ها، وجود تضارب آراء و افکار و عمل به تقیه، وضعیت ویژه‌ای را برای امام رقم زد و فرصت‌های استثنایی برای امام صادق (ع) فراهم نمود که برای ائمه دیگر کمتر فراهم شد. از طرف دیگر این دوران دارای آسیب فرهنگی همچون عدم رازداری اصحاب، اختلافات فکری درون مذهبی و بی‌توجهی یا عدم آگاهی برخی از شیعیان به حساسیت‌های زمانه و عدم ظرفیت وجودی اصحاب جهت شنیدن برخی از معارف بود. این آسیب‌ها موجب تفرقه و به خطر افتادن آبروی شیعه و همین‌طور باعث تخریب هویت و چهره واقعی و اصیل شیعه گردید.

امام صادق (ع) با توجه به آسیب‌های فرهنگی موجود و فرصت‌های به‌دست‌آمده، با روش تقیه شیعیان را به رازداری و تقیه، همزیستی مسالمت‌آمیز شیعیان با دیگران، توجه اصحاب به حساسیت‌های زمانه و بیان معارف به روش متعدد توصیه نمود. حضرت به جهت عدم رازداری اصحاب، آنان را به تقیه و رازداری سفارش نمود و آن را سپر مؤمن دانست و افشای راز را موجب خواری و نابودی دین برشمرد و فرمود کسی که راز ما را بر زبان ما فاش نماید همچون کسی است که بر روی ما شمشیر کشیده است بنابراین امام صادق (ع) رازداری و تقیه را یکی از مهم‌ترین راهکارها برای حفظ و اشاعه‌ی فرهنگ اصیل شیعی دانست. حضرت برای ایجاد وحدت و همزیستی مسالمت‌آمیز شیعیان با دیگران به مشارکت اجتماعی، عمل به تقیه تشویق نمود که در پی آن امنیت اجتماعی، برطرف شدن نیازها در جامعه، وحدت و غیره محقق می‌شود و عدم رعایت تقیه را سبب نابودی آنان دانست. همچنین امام صادق (ع) در جهت درمان بی‌توجهی برخی از اصحاب به حساسیت‌های زمانه، آنان را به مدارای با دشمنان سفارش نمود و آن را از بهترین صدقات برشمرد که نتیجه‌ی آن کوتاه کردن دست دشمنان از آزار و اذیت رساندن به شیعیان و سبب حفظ جان امام و شیعیان است. حضرت حتی به جهت وجود حساسیت‌ها در برخی موارد یاران نزدیک خود را مورد لعن قرارداد و برای درمان چنین آسیبی شیعیان را به پیروی از امام خود توصیه نمود. امام برای عدم ظرفیت برخی از اصحاب برای شنیدن معارف الهی، معارف را از برخی پنهان نمود و یا به گونه‌های مختلفی بیان کرد و آن را سبب بقاء شیعیان دانست؛ بنابراین روشن شد که وقتی امام صادق (ع) نتوانست به‌طور مستقیم به درمان برخی از آسیب‌ها اقدام نماید از راهبرد تقیه استفاده کرد و با این روش توانست تا حد زیادی به بازسازی و حفظ و نشر فرهنگ اصیل شیعی اقدام کند.

منابع

- آلوسی، سید محمود، روح المعانی، چاپ اول، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ق.
- ابن منظور، جمال الدین ابوالفضل، لسان العرب، تحقیق علی شیری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق چاپ اول
- الهامی، داود، سیری در تاریخ تشیع، قم، مکتب اسلام، ۱۳۷۵
- ابن سعد، محمد، الطبقات الکبیر، به کوشش سترستین، لیدن، ۱۳۳۵ق/۱۹۰۷م .
- ابن معین، یحیی بن معین، تاریخ یحیی بن معین، مصحح، احمد محمد، مکه، مرکز البحت العلمی التراث الاسلامی، ۱۳۹۹ق
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، الاغانی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ق
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، مقاتل الطالبیین، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۹ق
- اردبیلی، محمد بن علی، جامع الرواۃ و ازاحۃ الاشتباهات عن طرق والاسناد، بیروت: دار الاضواء، بی تا
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ق
- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، تبریز، بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱ش
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱
- بشیری، حسین، تحلیل تاریخی تقیه، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، فروردین و اردیبهشت - خرداد و تیر - ۱۳۹۰ شماره ۸۷ و ۸۸
- بشیری، حسین، جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی تهران، نشر نی، ۱۳۹۷
- پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۳۸۲، چاپ یازدهم
- جاحظ، عمرو بن بحر، رسائل جاحظ ارسائل الأدبیه، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۲۰۰۲م
- جعفریان، رسول، حیات فکری سیاسی امامان شیعه، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۸۶، چاپ دهم
- جعفری، محمدحسین، تشیع در مسیر تاریخ، تهران، دفتر نشر اسلامی، ۱۳۸۲
- حاجی، محمدعلی، آسیب‌شناسی تربیت دینی، قم، دانش نامه امام علی علیه السلام، ۱۳۸۱
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعۃ، مصحح: مؤسسه آل‌البتیت، قم: انتشارات مؤسسه آل‌البتیت، الطبعة الاولى، ۱۴۰۹ق
- حیدر، اسد، امام صادق و مذاهب چهارگانه، ترمه: حسن یوسفی اشکوری، بیروت: دار التعارف، ۱۴۲۲ق
- خمینی، سید روح‌الله، الرسائل العشره، قم، اسماعیلیان، بی تا

۲۸ سخن تاریخ / سال چهاردهم، شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

- خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، تهران، انتشارات عروج وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸
- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، زیر محمد معین، تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۳۳۷
- داوری، شیخ مسلم، التقیه فی فقه اهل البيت، مترجم محمد علی صالح المعلم، قم، دار زین العابدین، ۱۳۹۵، چاپ اول
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات فی غریب القرآن، تحقیق: سید گیلانی، تهران: المکتبه المرتضویه، بی تا
- روح الامینی، محمود، زمینه فرهنگ شناسی، تهران، عطار، ۱۳۶۵، ص ۱۱
- ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۴ق
- دینوری، ابن قتیبه، الامامه و السیاسه، تحقیق علی شیری، چاپ اول، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۳ق.
- روحانی سید محمد صادق، فقه الصادق، قم، مدرسه الامام الصادق، ۱۴۱۲ق، چاپ سوم
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات فی غریب القرآن، تحقیق: سید گیلانی، تهران: المکتبه المرتضویه، بی تا
- فاضل مقداد، ضد القواعد الفقهیه علی مذهب الامامیه، تحقیق سید عبد اللطیف کوه کمره ای، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ق
- سیحانی، جعفر، منشور جاوید، قم: موسسه امام صادق (ع)، ۱۳۸۸
- شهرستانی، ابی الفتح محمد، ملل و نحل، چاپ سوم، بیروت، دارالمعرفه للطباعه و النشر، ۱۳۷۹
- صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳
- صفری فروشانی، نعمت الله، نقش تقیه در استنباط، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۴، چاپ دوم.
- صفری فروشانی، نعمت الله، غالبان، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸
- صدوق، محمد بن علی، امالی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ش
- صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، چاپ چهارم، تهران، ناشر: اساطیر، ۱۳۷۱ش.

- طوسی، محمد بن حسن، امالی طوسی، قم: اندیشه هادی، ۱۳۸۸ ش.
- طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، تحقیق: واد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۵ ق.
- طقوش، محمدسهیل، دولت عباسیان، مترجم حجت الله جودکی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۵ چاپ دهم
- عراقی عبدالنبی، رساله اعلام العامه فی الصحه الحج مع العامه، نجف، مطبعه الغری، ۱۳۶۴ ق
- عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۳
- قیومی، محمدابراهیم، الخوارج و المرجئه، قاهره، دارالفکر العربی، ۱۴۲۳ ق
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، اصول الکافی، چاپ اول، انتشارات دار الحدیث للطباعه والنشر، قم، بی تا.
- _____، اصول الکافی، ترجمه: مصطفوی، چاپ اول، ناشر: کتاب فروشی علمیه اسلامی، تهران، ۱۳۶۹ ش.
- کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی - إختیار معرفه الرجال - مشهد، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق
- کریمی نیا، محمدمهدی، ادیان الاهی و همزیستی مسالمت آمیز، رواق اندیشه، ۱۳۸۲ ش، ۲۶.
- کرکی، علی بن حسین، رسائل المحقق کرکی، تحقیق محمد حسون، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ ق، چاپ اول
- کاشف الغطاء، جعفر، کشف الغطاء، چاپ سنگی، بی جا، بی نا، بی تا
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مصصح: معی از محققین، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثانية، ۱۴۰۳ ق.
- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۳ ش.
- مفید، محمد بن محمد، رساله المتعه، قم: کنگره هانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
- مفید، ارشاد، مترجم محمدباقر ساعدی خراسانی، تهران، اسلامی، ۱۳۸۰ ش، چاپ اول
- مفید، شرح عقائد الصدوق او تصحیح الاعتقاد (ضمیمه اوائل المقالات)، تصحیح و تعلیق: عباسقلی واعظ چرندابی، چاپ دوم، تبریز، ۱۳۷۱ ق.
- مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ ش.
- مکارم شیرازی ناصر، القواعد الفقهیة، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، ۱۳۸۳
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۴

۳۰ سخن تاریخ / سال چهاردهم، شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

معروف حسنی، سید هاشم، سیره الائمة اثنی عشر، المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۲ق
محمودی بختیاری، علیقلی، زمینه فرهنگ و تمدن ایران، تهران، پاژنگ، چاپ چهارم، ۱۳۶۸
نوبختی، حسن بن موسی، مترجم: محمد جواد مشکور، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱
یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دار صادر، بی تا
یحصبی، قاضی ابی الفضل عیاض، ترتیب المدارک و تقریب المسالک، تصحیح احمد بکیر محمود،
بیروت، منشورات دار المكتبه الحیاه، بی تا.

